

کیمت‌ان

پیام حجت‌الاسلام قرائتی به مناسبت ایام محرم

درس‌هایی از کربلا

برای امروز ما

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی به مناسبت ایام سوگواری سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) در نامه‌ای با عنوان «درس‌هایی از کربلا» به عزاداران حسینی توصیه‌هایی کرده‌است. متن پیام به نقل از مهر به این شرح است:

مثال روز تو نیست.

بسم‌الله الرحمن الرحیم
حساب امام حسین(ع) از همه کس جداست. وقتی امام حسین(ع) وضع دلخراش مسموم شدن برادرش امام حسن(ع) را دید، گریه کرد؛ ولی امام حسن(ع) فرمود: «لَا يَوْمَ كُتِبَكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» هیچ روزی مثل روز تو نیست.

تنها مهمانی که دوازده هزار نامه دعوت داشت، اما در برابر زن و بچه، آن هم بین دو نهر آب با لب تشنه به شهادت رسید، امام حسین(ع) بود. شهیدیی که بر کشته‌اش اسب تاختند و کودک و جوان و برادر و همه یارانش را شهید کردند.اگر اِسمال برای بارماندگان قربانیان منا خیمه‌هایی بود تا در آن عزاداری کنند، در کربلا خیمه‌ها را هم سوزاندد.

* جلسات عزاداری را از مساجد جدا نکنیم و اگر با مسجد فاصله است، عزاداری‌ها یا با نماز شروع شود یا با نماز خاتمه یابد.

برادران و خواهران عزیز به عـزاخانه امام حسین(ع) خوش آمدید.
درس‌های امام حسین(ع)

امام حسین(ع) به بشریت آموخت، سر به نی بدهید ولی به نزد ظالم سر خم نکنید.
امام حسین(ع) به مسلمانان آموخت: محاصره اقتصادی و حتی نداشتن آب برای طفل شیرخوار بهتر از بیعت با یزید است.

اهمیت و آداب دلداری و تسلیت به صاحبان عزا

■ منصور عزیزی

انسان در طول زندگی‌اش بارها با انواع مصیبت‌ها و بلایا مواجه می‌شود. برای دلداری یک مصیبت‌زده و یا عزیز از دست داده معمولاً آیه استر جاع (انا لله و انا الیه راجعون) را بر زبان می‌آوریم و با عباراتی نظیر: خدا به شما صبر جمیل و اجر جزیل عطا کند، عظم‌الله اجور کم، خدا به شما صبر دهد، خدا اجر تان دهد، بقای عمر بازماندگان و از این قبیل جملات سعی می‌کنیم تسلیت خود را به مصیبت‌زده ابراز کنیم و با حضور خود در نزد آنان و بیان عبارات تسلی‌بخش، آرامش را به آنان بازگردانیم. اما سوال این است که این رفتار ما در دلداری دادن به فرد مصیبت‌زده تا چه حد اهمیت و نقش و تأثیرات مثبت دارد و روشهای نیکو در این کار چیست و دیدگاه قرآن و روایات در این باره چه می‌باشد. در مقاله حاضر به این موضوع پرداخته شده است.

مصیبت، آزمون الهی

زندگی دنیوی به‌گونه‌ای سلمان یافته که از دست دادن و گرفتار شدن به انواع و اقسام بلایا و مشکلات در آن، امری طبیعی و عادی است. این امور بر اساس آموزه‌های قرآنی به حوزه ستنه‌های الهی در آزمون و امتحان و مانند آن بازمی‌گردد. (عنکبوت، آیه ۲۱، فجر، آیات ۱۵ و ۱۶) خداوند در بیان فلسفه و هدف این امتحان‌ها به اموری چون اتمام حجت و یادآوری (توبه، آیه ۱۲۶) افزایش ظرفیت انسان و افزایش صبر و استانه تحمل، اظهار و بروز استعدادها، تنبیه و مجازات غافلان، علم و دانش نسبت به ادعاهای مدعیان، بخشیدن مقامات (فجر، آیات ۱۲۴ و ۱۵۵، نساء، آیه ۶۴، حجرات، آیه ۱۴) و امور دیگر اشاره می‌کند. (احزاب، آیه ۱۱) این امتحان‌ها و آزمون‌ها هر ساله حتی برای منافقان یکی دو بار انجام می‌گیرد تا حجت بر آنان تمام شود. (توبه، آیه ۱۲۶) این آزمون‌ها شامل مجموعه‌ای متنوع و متعدد از ترس و سبکسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات و مانند آن می‌شود. (بقره، آیه ۱۵۵)

پس نمی‌توان از زندگی دنیوی سخن گفت و از مصیبت سخن به میان نیاورد؛ چرا که لازمه چنین زندگی‌ای، ترس و مصیبت و سختی است.
تعزیت و تسلیت به مصیبت‌زده
تعزیت و تسلیت دادن مصیبت‌زده از سنت‌های الهی و سیره‌های نیک پیشوایان است. از آموزه‌های قرآنی و گزارش‌های آن بر می‌آید که خداوند خود در مواردی به تسلیی افراد مصیبت‌زده اقدام کرده و آنان را از طریق وحی و از زبان فرشتگان و پیامبران یا واژه‌هایی چون «الانحزن»، «الاتخف»، «فلاتبتسن» و مانند آنها تسلی داده است.

هدف و فلسفه دلداری، تسلا دادن و غمگساری کردن با مصیبت‌زده و یا تسکین بخشیدن به فرد پریشان خاطر است. در عربی واژه تعزیت برای این منظور به کار می‌رود. تعزیت از ریشه عزی (عزاء) به معنای تسلی دادن، آرامش یافتن و یا خود را تسلی دادن است. این واژه وقتی در باب تغفیل به کار می‌رود؛ یعنی عزی، به معنای دلداری دادن، تسلیت گفتن به کسی به سبب درگذشت کسی یا فقدان چیزی، یا ابراز همدردی کردن با کسی چون بازماندگان مرده است. البته واژه عزاء به معنای سنگسنگی، وقار، ممانت، تسلی، آرامش، تسلیت، غمگساری، دلداری و مانند آن به کار رفته است که ریشه همه آنها به همان آرامش‌بخشی بازمی‌گردد که موجب تسنگینی و وقار، آرامش و آسودگی و ممانت و مانند آن می‌شود.

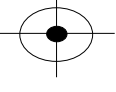
در روایات و دیگر منابع تاریخی، واژگانی چون ماتم، نوحه و تسلی، رثا و مرثیه و غیر آن به کار رفته که در ارتباط با تعزیه و تسلیت و عزاداری است.

اهداف دلداری و تسلیت گفتن

از واژه‌شناسی تعزیت به آسانی روشن می‌شود که هدف از برگزاری مراسم شکی و غیرشکی عزاداری، تسدیتی مصیبت‌زده به آرامشی است که به سبب مصیبت از دست داده است. عواطف انسانی متأثر از مصیبت‌ها، حالت طبیعی خود را از دست می‌دهد و واکنش‌هایی را از خود ظاهر می‌کند که نتیجه آن ممانت و مانند آن می‌شود.

از واژه‌شناسی تعزیت به آسانی روشن می‌شود که هدف از برگزاری مراسم شکی و غیرشکی عزاداری، تسدیتی مصیبت‌زده به آرامشی است که به سبب مصیبت از دست داده است. عواطف انسانی متأثر از مصیبت‌ها، حالت طبیعی خود را از دست می‌دهد و واکنش‌هایی را از خود ظاهر می‌کند که نتیجه آن ممانت و مانند آن می‌شود.

اضطراب، هیجانات‌های شدید عصبی و رفتاری، افسردگی، گوشه‌گیری، احساس یاس و نومیدی و مانند آن است.
وقتی به آثاری که در آیات قرآن برای تسلیت و دلداری بیان شده نگاه می‌شود، می‌توان نقش تسلیت و دلداری به مصیبت‌زده را بهتر درک کرد و در انجام این عمل صالح و خیرخواهانه اهتمام بیشتری به خرج داد.
خداوند در قرآن دو اثر مهم را برای دلداری بیان می‌کند که شامل برطرف شدن حزن و رفع و یا دفع ترس است. این دو مسئله ارتباط جدی با حوزه خوشبختی و سعادت بشر دارد؛ چرا که آنچه خوشبختی آدمی را به بدبختی تبدیل می‌کند، حزن و خوف است. یعنی نسبت به از دست داده‌ها اندوهگین شده و نسبت به آینده و دست دادنی‌ها هراسان و ترسان می‌شود.
انسان دوست دارد همواره نعمت‌هایی را که در اختیار دارد از دست ندهد و اگر آن را از دست دهد، نسبت به آن اندوهگین می‌شود و اگر نگران از دست دادن آن باشد همواره ترسان و نگران خواهد بود. اندوه گذشته و ترس آینده، لذت نعمت حال را از میان می‌برد و شیرینی آن را می‌گیرد. اگر کسی بداند چند دقیقه دیگر نعمتی که در اختیار دارد از دست می‌رود یا خودش از دست خواهد رفت، چه لذتی از نعمت ببرد؟
نقش تسلی و دلداری این است که حزن را می‌زاید و خوف را برمی‌دارد. خداوند در آیات ۷ و ۱۰ سوره قصص بیان می‌کند که چگونه دلداری، موجب



معارفMaaref@Kayhan.ir



را متلاشی و معرفت و عشق را زنده کرد.

اهمیت فوق‌العاده نماز در نزد امام حسین(ع)
عزیزان! یکی از کارهای زیبای امام حسین(ع) نماز او بود، نمازی که در دو رکعت، حدود سسی تیر به سوی او پرتاب شد و او نه تنها از نماز بلکه از مستحبات آن از قبیل اذان و اقامه و جماعت و اول وقت نیز صرف‌نظر نکرد.

همین که طبل جنگ در روز تاسوعا به صدا درآمد، امام حسین(ع) فرمود: جنگ برای فردا باشد زیرا من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم و می‌خواهم یک‌شب دیگر با نماز و قرآن باشم.

ما در زیارت امام حسین(ع) اول به نماز او گواهی می‌دهیم: «شَهِدْتُ اَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» سپس به شهادت او، بیایید کاری کنیم که امام حسین(ع) نیز در لحظه مرگ به ما بگوید: «شَهِدْتُ اَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ».

امام حسین(ع) به زینب کبری(س) فرمود: مرا در نماز شبت دعا کن. در جبهه‌های جنگ ما نیز، بیش از نود و پنج درصد جوانان رزمنده، بچه‌های مسجد و هیئت بودند. شما که در عاشورا، در عزاداری‌ها شرکت می‌کنید، یک قار و عهدی تازه با نماز و امامت داشته باشید.
هر کار خیری انجام دهیم، اگر نماز ما ناقص و مردود باشد سایر اعمال قبول نخواهد شد.
ما در زیارت امام حسین(ع) اول به نماز او گواهی می‌دهیم: «شَهِدْتُ اَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» سپس به شهادت او.
بیایید کاری کنیم که امام حسین(ع) نیز در لحظه مرگ به ما بگوید: «شَهِدْتُ اَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ».
نماز را باید اقامه کرد و اقامه نماز به‌این است که صحیح، به جماعت و در مسجد انجام گیرد.

بسیار موثر باشد. خداوند با گزارش وقایع تاریخی، بر آن بود تا به پیامبر (ص) دلداری دهد. توجیه به سابقه‌دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتابهای آسمانی، روشی برای دلداری پیامبر (ص) بود که خداوند اتخاذ کرده است. (سینه، آیات ۱ و ۴).

۳- بیان عدم تأثیر کلان مصیبت: از دیگر روش‌های تسلی بخشی آن است که نقش مصیبت در زندگی شخصی فرو کاسته شود و به طوری وانمود شود که نباید مصیبت‌زده خود را ناکام و شکست خورده ببیند. خداوند با بیان تأثیر نداشتن کفر کافران و محروم بودن آنان از هر بهره‌ای از آخرت بر آن است تا مصیبت کفر آنان را کاهش دهد، و پیامبر (ص) را اینگونه دلداری دهد. (آل عمران، آیه ۱۷۶).



*** انسان دوست دارد همواره نعمت‌هایی را که در اختیار دارد از دست ندهد و اگر آن را از دست دهد، نسبت به آن اندوهگین می‌شود و اگر نگران از دست دادن آن باشد همواره ترسان و نگران خواهد بود. اندوه گذشته و ترس آینده، لذت نعمت حال را از میان می‌برد و شیرینی آن را می‌گیرد.**

۴- ابراز حمایت: از دیگر روش‌های دلداری آن است که شخص را از حمایت خود مطمئن کند و اینکه در زندگی تنها نخواهد بود و همواره از حمایت مادی و معنوی برخوردار خواهد شد. این روش را خداوند نسبت به پیامبران از جمله پیامبر (ص) به کار گرفته است. (ضحی، آیات ۱ تا ۸)
۵- دعوت به صبر و شکیبایی: همچنین دعوت مصیبت‌زده به صبر و شکیبایی و بیان آثار و برکات آن می‌تواند موجب دلداری و تسلای خاطرش شود. (غافر، آیه ۱۷۲، دخان، آیات ۵۸ و ۵۹)
۶- بیان پاداش و اجر عظیم: اینکه شخص بداند در مصیبت چه پاداش‌های عظیم و اجر بزرگی در دنیا و آخرت نتهفته است و صبر بر مصیبت تا چه اندازه موجب افزایش مقام و جایگاه او نزد خداوند می‌شود. (بقره- ۱۵۷)
۷- بیان وضعیت اکریت: از دیگر روش‌های دلداری آن است که وضعیت اکثریت بیان شود؛ زیرا وقتی بلا و مصیبت عام باشد تحمل آن برای شخص آسان تر خواهد بود. این اکثریتی می‌تواند کسانی باشند که در اختیار است مصیبتی از آنان برطرف گردیده است، (صافات، آیات ۶۹ تا ۷۳)
۸- آمیختگی مصیبت و سختی با آسانی: یکی از راه‌های دلداری مصیبت‌زده آن است که سنت الهی به او گوشزد شود که خداوند هر مصیبتی را با سرور و آسانی پوشانده است. یعنی قبل و بعد از سختی و عسر و مصیبتی دو آسانی است. فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا (التجرا، آیات ۵ و ۶)

۹- بیان نعمت‌های بی‌شمار دیگر: از دیگر روش‌های دلداری مصیبت‌زده آن است که او را نسبت به نعمت‌های بی‌شمار دیگری که در اختیار است هوشیار و متنبه کنیم. این گونه است که فشار مصیبت کاسته می‌شود و شخص به آرامش و آرامش نسبی می‌رسد. این روشی است که خداوند نسبت به پیامبر(ص) داشته است و همین قطع وحی را با گوشزدکردن نعمت‌های دیگر تسلی بخشیده است. (ضحی، آیات ۱ تا ۱۱)

۱۰- امیدواری و بیان عاقبت نیک: از دیگر روش های تسلی بخشی آن است که عاقبت خوشی و خوش گوشزد شود؛ مصیبت‌زده را به آینده‌امیدوار کرد. (یونس، آیه ۲۳؛ انبیاء، آیه ۵ تا ۹؛ صافات، آیات ۱۷۰ تا ۱۷۳)

*** دلداری و تسلیت گفتن از روش‌ها و سنت‌های الهی است. خداوند در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره ابراهیم(ع) از دلداری خود به انبیا و پیامبران یا وعده هلاکت ستیزان، در پی تهدید آنان از سوی کافران سخن به میان می‌آورد. این حرکت و سنت الهی نشان می‌دهد که دلداری، نقش مثبت و سازنده‌ای در زندگی بشر بویژه در زمان‌هایی که گرفتار مصیبت و مشکلات هستند، ایفا می‌کند.**

۱۱- آگاهی‌بخشی به علم و حکمت الهی: یکی دیگر از راه‌ها این است که مصیبت‌زده را به علم و حکمت الهی کاسیم. لذا شخص متوجه و متنبه خواهد شد که عاقبت مصیبتی بی‌علت و بی‌حکمت نیست و اگر گمان در آن حکمتی است که ما از آن آگاه نیستیم؛ چرا که ما از اموری خوشمان می‌آید که ممکن است برای ما تنها شر باشد در حالی که آنچه شر می‌دانیم چیزی جز خیر نباشد و به طور کلی یادآوری این نکته که الخیر فی ما یق، هر اتفاقی که در آن رخ می‌دهد، (بقره، آیه ۱۶؛ یونس، آیه ۹۵؛ یوسف، آیه ۲۶؛ صافات، آیه ۴۵؛ آل عمران، آیه ۲۹)

*** اگر امروز روسای جمهور دنیا بخواهند یک راهپیمایی ده کیلومتری بدون الزام و بودجه راه بیندازند امکان ندارد! امام حسین(ع) کاری کرد که بعد از حدود ۱۴۰۰ سال، با یک «یا حسین» تنها در کشور ایران هفتاد میلیون عاشق، به خیابان‌ها می‌آیند و گرمای تابستان و سرمای زمستان دراین حرکت تأثیری ندارد.**

جلسات عزاداری را از مساجد جدا نکنیم و اگر با مسجد فاصله است، عزاداری‌ها یا با نماز شروع شود یا با نماز خاتمه یابد.
عزاداری‌های شبانه آن قدر طول نکشد که به نماز صبح لطمه وارد شود.
در عزاداری‌ها از ایجاد ترافیک، زدن طبل به هنگام استراحت مردم، بلند کردن صدای بلندگو، رقابت‌های منفی، کارهای چشم و هم‌چشمی، آهنگ‌های مبتذل، اشعار غلو و مبالغه، برهنه شدن و اموری که این عزاداری‌های مقدس را از بهترین حالات خارج می‌کند، دوری کنیم.
در پذیرایی از عزاداران، به مسائل بهداشتی و محیط زیست و دوری از اسراف توجه کنیم.

بدانیم از عزاداری‌های ما فیلمبرداری می‌شود و در دنیا پخش می‌گردد. اگر کسی به‌گونه‌ای عزاداری کند که دشمنان از آن سوءاستفاده کنند و چهره خشنی از اسلام را نشان دهد، این مورد رضای خداوند نیست.
امروز استکبار جهانی از طریق وهابیت، طالبان، داعش و تکفیری‌ها آنچنان چهره خشنی از اسلام معرفی می‌کند که دنیای سرخورده از کمونیست و سرمایه‌داری به فکر توجه به اسلام نیفتد.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «حَسْبُنِي مَنِّي وَ اَنَا مِنْ حَسْبَتِنِ : حسین از من است و من از حسینم. آری! بقای دین پیامبر من از قیام حسین است. پس باید مکتب رسول‌الله(ص) در عزاداری‌ها با استدلال معرفی شود، همان گونه که تاکنون بسیاری از معارف اسلام در جلسات عزاداری منتقل شده است.

بیایید با عقل به سراغ استدلال و با اشک به سراغ حسامه و با فریاد، ظالمان را محکوم و از مظلومین دفاع کنیم.

خواننده عزیز، این نامه تذکرات برادرانه‌ای بود از متن اسلام، از معلمی که حدود سی و پنج سال است از طریق تلویزیون بر شما صحبت می‌کند. از شما می‌خواهم با محله نامه و اطلاعات و مطالبی که به آن می‌افزاید به اهل خانه و محله تذکر دهید که قرآن می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْتُفِعُ الْمُؤْمِنِينَ» تذکر برای مؤمنین مفید است و اگر امکان نشر آن را دارید به خاطر معرفی بیشتر کربلا دریغ نفرمایید، زیرا قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و معارف دینی برای شخص خاصی نیست بلکه برای همه است. من به شما گفتم و دست شما را می‌بوسم و شما هم این راه به دیگران بخصوص افراد محوری و تأثیرگذار در هیئت‌ها منتقل کنید.

محسن قرائتی ۲۱ مهر ۱۳۹۴

*** خداوند در قرآن دو اثر مهم را برای دلداری بیان می‌کند که شامل برطرف شدن حزن و رفع و یا دفع ترس است. این دو مسئله ارتباط جدی با حوزه خوشبختی و سعادت بشر دارد؛ چرا که آنچه خوشبختی آدمی را به بدبختی تبدیل می‌کند، حزن و خوف است. یعنی نسبت به از دست داده‌ها اندوهگین شده و نسبت به آینده و دست دادنی‌ها هراسان و ترسان می‌شود.**

پاداش تسلی دادن به سوگوار
تسلی‌دادن همان طوری که برای مصیبت‌زده آثار و برکاتی دارد، برای تسلی‌دهنده هم آثاری دارد که از جمله آن می‌توان به اجر و مزد الهی اشاره کرد. پیامبر(ص) می‌فرماید: من عزى مصابا كان له مثل اجره؛ پیامبر خدا(ص): هر که فرد سوگواری را تسلی دهد، (اجر)ی همانند اجر او دارد. (میزان‌الحکمه ج ۶ ص ۳۸۰)

کسی که تسلی‌بخش مصیبت‌زده ای باشد خداوند لباس کرامت بر تن او می‌پوشد. پیامبر(ص) در این باره می‌فرماید: من عزى اخاه المؤمن من صبيه كساه الله عروجل من خلل الکرامه يوم القيامة؛ هر که برادر مؤمنش را برای مصیبتی تسلی دهد، خداى عزوجل روى روى قیامت از حله‌های کرامت به او می‌پوشاند. (همان) از دیگر ثواب‌هایی که برای دلداری دادن گفته شده، بهره‌مندی از سایه الهی در قیامت است. امام علی(ع) می‌فرماید: من عزى الثکلى اظله الله من ظل عرشه يوم لا ظل الا ظله؛ هر که مادر فرزندمرده‌ای را تسلی دهد، خداوند در آن روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه عرش او نیست، وی را در سایه عرش خود جای دهد. (همان)

نقش دلداری در مصیبت‌زده آنچنان زیاد است که حتی دیدار شخص می‌تواند مصیبت‌زده را دلداری دهد. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: تکاف من التعزیه بأن یراک صاحب‌المصیبه؛ برای تسلی دادن، همین اندازه کافی است که صاحب مصیبت تو را ببیند. (همان)

چگونه تسلیت بگوییم؟

برای دلداری مصیبت زده می‌توان گفتار و رفتاری را در پیش گرفت که او را تسلی دهد.

امیرمؤمنان(ع) نقل می‌کند که: کان رسول‌الله اذا عزى قال: اجرکالله و رحیمک و انا هذا قال بآرکالله لکم و بارک علیکم، رسول خدا(ص) هر گاه تسلی می‌داد، می‌فرمود: خداوند بزرگوار من را بشمار رحمت خویش گرداند. و هر گاه تبریک می‌گفت، می‌فرمود: خداوند به شما برکت دهد و بر شما مبارک گرداند. (همان)

عبدالله بن جعفر گفت من یاد دارم که چون خبر فوت پدرم جعفر به مدینه رسید حضرت پیامبر(ص) به خانه ما آمد و تعزیت پدرم گفت و دست مبارک بر سر من و برادرم کشید و بوسه بر روی ما زد و اشک از چشمت روان شد به گونه‌ای که بر محاسن مبارکت می‌چکید و فرمود: پدرت جعفر به بهترین نوابی رسید، اکنون خلیفه ی تو باش در ذریه او، و بعد از سه روز باز به خانه ما آمد و همه ما را نوازش داد و دلداری نمود و از لباس تعزیه بیرون آورد و در حق ما دعا کرد و به مادر ما اسماء بنت عیسى فرمود که غم مخور من ولی ایشانم در دنیا و آخرت (متبری، ج ۱، ص ۲۳۷)

نمته‌ای با موضوعها با مصیبت

شخص مصیبت‌زده شایسته است بی‌تلی نکند؛ چرا که بی‌تابی و قرار از کف دادن و یا همان جزع و فرغ، واکنش افراد ضعیف در برابر مصیبت است. جزع به معنای می‌خورن تعادل روحی و روانی شخص مصیبت دیده است که به دو گونه کارهای اضافی و یا کم‌کاری، بروز می‌یابد. چنین شخصی با کارهایی رو می‌آورد که پیشتر نمی‌کرد و این فعالیت‌ها بیشتر به شکل گریه و لایه و اظهار بی‌تابی و فریاد و هیاهو ظاهر می‌شود و یا از کارهای لازم زندگی و روزمره خود دست می‌کشد و دست بر دست می‌نهد و در حالت بهر قوت می‌رود و به مانند انسان‌های برقی گرفته، از فعالیت و کار میهنشیی خود باز می‌ماند. روایات متعددی این حالت را منع کرده و بر زدودن و پیشگیری از آن تأکید دارد. امام علی(ع) جزع و فرغ و بی‌تابی را نه تنها موجب تخلیه هیجان شخص مصیبت‌دیده نمی‌داند، بلکه آن را افزایش‌دهنده مصیبت، موجب بفرست کلافیت و کراهت و کف و لعل می‌داند؛ (فرائض الحکمه و دررالکلم، ج ۳، ۲۰۳ و ۷۹۲۶ و ۶۵۳) که این شخص با گوشه‌نشینی و کناره‌گیری از فعالیت‌های روزانه و به جای دل‌مشغولی به کار و تلاش، به یادآوری مکرر مصیبت می‌پردازد و همواره بدان می‌اندیشد. این معنای واقعی مصیبت است؛ زیرا خود مصیبت کمتر از یاد آوردن آن زیان می‌رساند و این همان فرموده مولای موحدان است: الجزء عند البلاد تمام الحزن؛ این تأملی کردن به هنگام مصیبت رنج کامل است. (همان)

شیوه دیگری که در روزهای نخستین ورود مصیبت کارگشاست، سکوت و خاموشی است. شکوه کردن و سفره دل درمند خود را پیش هر کس بازنمودن، تنها نتیجه‌اش خار شدن و سبک کردن خود است و کمکی به تخفیف درد ناشی از مصیبت نمی‌کند. به عبارت دیگر، بیرون‌ریزی به هنگام مصیبت توصیه نشده، بلکه سکوت و خاموشی و جلوگیری از فرسودگی اعصاب و روان در روزیواری با مصیبت است. سکوت، به احتمال فراوان فرصت خلایق و کراهت و کف و لعل جبران صدمه‌های ناشی از حوادث زندگی را به ذهن می‌پسند و به انسان فرصت می‌دهد تا به چرایی و یا بزرگی و کوچکی مصیبت بیندیشد و شیوه‌های روزیواری با آن را بیابد و این سکوت معنی صبر است که در روایات فراوان و نیز آیات قرآن بر آن توصیه زیاد شده است. (والمبارین فی البأساء و الفراء)

امام علی(ع) به اشعث‌بن قیس در مرگ فرزندش فرمود: ای اشعث! اگر برای سپسترت اندوهگینی، سزاورای که این لازمه پیوند خویشاوندی است و اگر صبر بگیری هر مصیبتی را نوز خدا پاداشی است. ای اشعث! ای صبر کنی، تقدیر الهی بر تو جاری شود و تو را پاداشش دهند، و اگر جزع و بی‌تابی کنی، تقدیر الهی باز بر تو جاری شود در حالی که تو به سوی گناه رفت‌ای. ای اشعث! بپسرت و قوتی و هنگامی که تو را شادمان ساخت حال آنکه برای تو مایه امتحان و آزمایش بود و تنگدلی که مره، محزونت ساخت در حالی که برای تو ثواب و رحمت بود (نهج‌البلاغه، قصار ۲۹۱)

صفحه ۶ یکشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۴ ۴ محرم ۱۴۳۷ - شماره ۳۱۱۸۵



چراغ راه

آثار مجالست

قال الامام الحسین(ع): مجالسه اهل الذنائه شر ، و مجالسه اهل

الفسوق ربه.

امام حسین(ع) فرمود: همنشینی با افراد پست ناپسندی است و همدمی با

گناهکاران موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است. (۱)

۱- بحارالانوار، ج ۱۲۲، ۷۸

حکایت خوبان

قرص نانی در برابر یک کاخ

امام حسین(ع) در حال عبور به قصر «وس» رسیدند و پرسیدند: این کاخ از چیست؟ عرض کردند: از اوس است. حضرت فرمود: اوس اگر حال و روز و سرانجام دنیا را می‌دید و می‌شناخت، مایل بود که در سری آخرت برای او به جای این کاخ، که در دنیا از خود به جا گذاشته، قرص نانی که بهره‌اش در سری آخرت نصیب او گردد، باشد. (۲)

همچنین آن حضرت فرمود: مبادا از کسانی باشی که بر دیگران به سبب گناهان و معاصی که انجام داده‌اند، بیناکم و نگران باشی، ولی از کثیر گناهان خود آسوده‌خاطر، زیرا که بهشت را نمی‌توان با خدعه و فریب از خداوند تبارک و تعالی گرفت و انسان جز از راه اطاعت و بندگی به ثواب و نعمت الهی نخواهد رسید. (۳)

۱- ارشاد القلوب، ص ۲۷

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۱



پرسش و پاسخ

ثقل اکبر و اصغر

پرسش:

ثقل اکبر و اصغر چیست و چه جایگاه و نقشی در هدایت الهی انسان دارد؟

پاسخ:

اهل بیت ثقل کبیر یا اصغرند و قرآن ثقل اکبر و این دو گنجینه گرانبه‌ا از هم جدایی ندارند و برای روشن شدن فلسفه حدیث ثقلین لازم است که به‌طور اجمال به چند مطلب اشاره کنیم:

«اولا فهم قرآن با وجود اهل بیت ممکن خواهد بود.

قرآن راجع به خودش می‌فرماید:

« وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا » (اسراء- ۸۲)

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.»

پس قرآن نسخه شفابخش است. بعد از تهیه نسخه باید دو مرحله دیگر طی شود تا نسخه‌ای موجب شفای مریضی گردد:

۱- منطق اقتضا می‌کند که دقیقاً مورد فهم قرار گیرد.

۲- به دستورارش عمل شود.

انسانی که در دام گناه و جهل و ... گرفتار آمده است هم مریض است (مرض) قلب در اصطلاح قرآن و روایات همین است) و هم راه گم کرده است.

و در پرتو عمل به دستورات قرآن است که شفا می‌یابد و هدایت می‌شود. منتهی در مرحله فهم قرآن و اینکه چه کسانی قرآن را می‌فهمند، خداوند بعنوان معلم قرآن معرفی نموده:

«الرَّحْمَنُ - عَلَّمَ الْقُرْآنَ خُداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود.» (الرحمن - ۱ و ۲)

و در جای دیگر می‌فرماید:

«فی کتاب مکنون لا یمسه الا الْمُطَهَّرُونَ (الواقعه - آیات ۷۸ و ۷۹)

که در کتاب محفوظی جای دارد، و جز پاک نمی‌توانند به آن دست زنند!]

دست یابند!]

قرآن کریم بیان می‌دارد برای مس ظاهری، طهارت ظاهری و برای مس باطنی، طهارت باطنی لازم است، یعنی اگر کسی بخواهد به باطن قرآن برسد، باید طهارت روحی داشته باشد و مفسران واقعی قرآن کسانی‌اند که از طهارت روحی برخوردار باشند که خود قرآن ایشان را معرفی نموده و فرموده است که اهل بیت، مطهر از رجز و ذلالت بوده و طهارت روحی دارند.

بنابراین ما معتقدیم برای هدایت جامعه در مسیر صحیح، هم نیاز به قرآن داریم و هم نیاز به اهل بیت، و قرآن در پرتو تفسیر اهل بیت است که هم نسخه شفا بخش است و هم هدای و نجات‌دهنده انسان، از امراض قلبی و خطر گمراهی.

آنها حافظ دین و شریعتند و از اصول و فروع اسلام محافظت و مراقبت می‌کنند یعنی مرجع تشخیص حق و باطل در عقایدند و چون قرآن ناخفاند، از سوء استفاده متحرfin در اثبات عقاید باطل خود از طریق قرآن جلوگیری می‌کنند، و هم برای حل اختلاف در فروع و حفظ احکام واقعی، وجود آنها لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه، آنها باز دارند مفسدان و شیادان از جعل حدیث و وارد کردن اباطیل ملل خلف در اسلاماند و حافظ سنت پیامبر(ص).

«ثالثا قرآن مشتمل بر قوانین و دستورانی است که باید در جامعه اجرا شود و هر جامعه‌ای نیاز به رهبر دارد و رهبر جامعه اسلامی باید مجری دستورات قرآن باشد و لایمه به‌خاطر ویژگی عصمت، بهترین مجریان قرآنند و لذا ما معتقدیم قرآن

دو، دو گنجینه گران‌به‌ا هستند که از هم‌دیگر جدایی ندارند و هر دو جلوه‌ای از یک حقیقت واحدند. جدا کردن قرآن از اهل بیت، همانا جدا کردن چیزی از خودش است که محال می‌باشد.

و با این بیان روشن شد که قرآن به‌عنوان اصل و محور است، لذا ثقل اکبر است و اساس همه معارف اسلامی قرآن کریم است و لایمه(علیهم‌السلام) نیز مفسران حقیقی و نمونه‌ها و الگوهای حقیقی معارف آن و نیز مجریان آن در جامعه و نقل کبیر هستند.

سلوک عارفانه

ضرورت اشتغال به تهذیب نفس سالک

(بدان ای سالک راه خدا!) اشتغال به تهذیب نفس و تصفیه اخلاق، که فی‌الحقیقه خروج از تحت سلطه ابلیس و حکومت شیطان است، از بزرگترین مهمات و اوجب واجبات عقلیه است. (۱)

اگر یک در به روی خواش نفس باز کنی، لابدی (ناچار)ی که درهای بسیاری را به روی آن باز کنی. یک وقت به واسطه یک متابع نفس به چندین مفاسد و از آن به هزاران مهالک مبتلا می‌شوی، تا آنکه خدا نخواست در دم آخر جمیع راه حق را بر تو منسد می‌کند (می‌بندد) (۲) ح